

# ناش

فصلنامه علمی

موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلبیت (ع) و حقوق ایران  
سید محمد حسینی دره صوفی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

نقش رسانه ها در پیشگیری از جرایم، با تاکید به رسانه های افغانستان  
سید محمد نقوی دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

جایگاه اهل بیت در آیه «تلقی کلمات»  
سید طالب زکی کارشناسی ارشد مدرسه عالی فقه جامعه المصطفی

اخوت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری...  
محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی

نقش ایدئولوژی در تحولات سیاسی اجتماعی با رویکرد قرآن کریم  
غلام سخی رحمانی، دانش پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی

نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین  
سید محمد علی حسینی زهرابی، دانش پژوه دکتری قرآن و علوم

جهانی شدن و چالش های توسعه سیاسی جهان اسلام  
خانم راحله حسینی، کارشناسی ارشد روابط بین الملل

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر  
مدیر مسئول: سید مهدی حسینی  
سر دبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
مدیر داخلی: سید محمد رضا علوی  
گرافیسٹ: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: افغانستان: مزار شریف

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۴

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلبیت(ع) و حقوق ایران

سید محمد حسینی دره صوفی<sup>۱</sup>

### چکیده:

شهادت یکی از مهمترین ادله اثبات دعواست و زنان با توجه به اینکه تقریباً نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می دهد، شهادتشان در اثبات دعوا، نقش مؤثری دارد در این پژوهش، مواردی را که در آن شهادت زنان معتبر قلمداد شده است، مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. هدف نگارش، تسهیل امور مردم و گسترش قلمرو اعتبار شهادت است. در پایان این نتیجه حاصل شد که شهادت زنان، در مواردی مستقلاً معتبر محسوب شده است مثل مسائل خاص زنانه و عیب های باطنی زنانه و در مواردی دیگر نیز به ضمیمه شهادت مردان معتبر می باشد مثل دعاوی مالی و حق الناس از قبیل، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وکالت، دیه، قتل. شهادت زنان در حق الله مورد پذیرش فقه اهلبیت و حقوق ایران قرار نگرفته است مگر در یک مورد با در نظر گرفتن شرایطی خاص، آن یک مورد هم باب زناست.

**کلید واژه:** شهادت زنان، نابرابری شهادت، مصادیق شهادت زنان، عیوب باطنی زنان.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه

## ۱. بیان مسئله

شهادت یکی از موضوعات مهم فقهی و حقوقی است که نقش مهمی در اثبات دعوا دارد و یکی از ادله مهم اثبات دعوا محسوب می‌گردد. در فقه اهل بیت، تفاوت های در شهادت مردان و زنان دیده می‌شود. در برخی از موارد شهادت زنان پذیرفته نشده است و در برخی دیگر از موارد شهادت هر دو زن، به اندازه شهادت یک مرد اعتبار دارد و از این جهت و به لحاظ مسائل حقوق بشری با مشکلات مواجه می‌باشد. باید علت این نابرابری بررسی شود که آیا این نابرابری، بی عدالتی است یا عادلانه است؟. در مواردی نیز شهادت زنان به طور مستقل معتبر شمرده شده است. هدف نگارش، بررسی مصادیق معتبر از شهادت زنان در ادله اثبات دعواست و این سوال را می‌توان طرح کرد که شهادت زنان در چه مواردی می‌تواند به عنوان ادله اثبات دعوا، ایفای نقش کند؟

## ۲. مبانی نظری

برای تنقیح مطلب، برخی از مفاهیم مورد بحث، مورد پژوهش لغوی و اصطلاحی قرار گرفته است.

### ۲-۱. شهادت

در لغت: شهادت به معنای دیدن و معاینه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۹۴). معلوم بودن حسی یقینی چیزی در نزد شخصی را شهادت گویند (حسن مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۶، ص ۱۳۰: أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْعِلْمُ بِالْحَضُورِ عِنْدَ الْمَعْلُومِ وَ مَعَايِنَتِهِ، وَ هَذَا الْمَعْنَى فِي الْأُمُورِ الْمَحْسُوسَةِ مَعْلُومٌ). در اصطلاح: به لحاظ فقهی شهادت به معنای ادای شهادت که در ادله اثبات دعوی مورد بحث است، عبارت است از اینکه کسی مطلبی را به نفع یکی از طرفین دعوا به ضرر طرف دیگر ابراز نماید (سید مصطفی، محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۵۹). در تعریف دیگر آمده که شهادت یعنی خبر دادن شخصی به نفع دیگری و به زیان شخص ثالث. (علم القضاء، الحصری؛ ج ۱، ص ۶۵)

در کل شهادت در مواردی که امروزه در فقه و حقوق به کار می‌رود یعنی اینکه شخصی عن حسن جریان را دیده باشد و هنگام مرافعه نتیجه مشاهدات خود را بازگو کند. فرقی نمی‌کند که آن جریان در رابطه با چه موضوعی باشد و نتیجه

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلیت (ع) و حقوق ایران \* ۷

مشاهدات یقینی خود را در هنگام فصل خصومت در دادگاه یا هر مکانی دیگری و نزد هر شخص دیگری که قرار است دعوا در آنجا اقامه شود، بیان کند.

### ۲-۲. دعوا

در لغت: دعوی یعنی یک قضیه‌ی که توسط مدعی مطرح می‌شود تا در دادگاه علیه دیگری با اقامه دلیل به اثبات برسد (أحمد مختار عبد الحمید عمر، معجم اللغة العربية المعاصرة، ۱۴۲۹هـ، ج ۱، ص ۷۴۹: إجراء قانونیّ یقدمه شخصٌ إلى المحكمة یطلب فیہ الانتصاف من شخص آخر أو استرداد حقٍّ له "أقام دَعْوَى علی فلان- خَسِر دَعْوَاهُ ضِدَّ فلان" إعلان دعوی)

به لحاظ فقهی دعوا در جایی است که دو طرف متخاصم وجود داشته باشد و یکی حقی را از دیگری مطالبه کند و طرف دیگر منکر چنین حقی باشد که به مطالبه حق توسط مدعی، دعوا گفته می‌شود.

به عبارت دیگر دعوا عبارت است از اینکه فردی که مدعی حقی علیه دیگری است نزد حاکم شرع (قاضی) آن را از او مطالبه کند؛ خواه آن را برای خود مطالبه کند یا برای موکل و یا مولی علیه خویش؛ اعم از اینکه حق مورد ادعا عین خارجی مشخص باشد، مانند زمین معین، و یا غیر آن مانند دین، حق خیار، شفعه، فرزندی، زوجیت و جنایت. به اقامه کننده دعوا «مدعی» یا «خواهان»، به طرف مقابل که دعوا علیه او اقامه شده «مدعی علیه» یا «خوانده» و به حق مورد ادعا «مدعی به» یا «خواسته» گویند (موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۷ ج ۳، ص ۶)

به لحاظ حقوقی: دعوی عبارت است از عملی که برای تثبیت حقی که مورد تجاوز یا انکار قرار گرفته است، انجام می‌شود (متین دفتری، احمد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰۹).

با در نظر گرفتن هر یک از معانی لغوی، فقهی و حقوقی، به نظر می‌رسد دعوا یعنی اینکه طرف خواسته خود را برای احقاق حق ادعایی، نزد مقام صلاحیت دار یا شخصی دیگری که مورد اعتماد مدعی است مطرح کند.

### ۲-۳. علت عدم نفوذ شهادت زنان در برخی از موارد

شهادت زن در همه موارد و برابری آن با مرد و گستره قلمرو آن، با مسائل زیر تنافی دارد:

### ۱-۳-۲. با حقوق شوهر

در شرع مقدس آمده است که زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود. در این صورت اگر شهادت زن مثل مرد در همه موارد برابر باشد، چنانچه زنی برای ادای شهادت فراخوانده شود ولی شوهرش به دلایلی اجازه ندهد، چنین شهادتی لغو و بی اثر است. پس شارع براساس همین مسائل، این وظیفه را از زنان در مواردی زیادی برداشته است تا خانواده دچار تنش نشود.

### ۲-۳-۲. با حقوق کودک

بدون شک یکی از مهمترین وظایف زن در خانواده، مراقبت از کودک و پرورش آن است تا انسان مفیدی به جامعه اسلامی تحویل داده شود؛ حال اگر زنی در خانه تنها باشد و کسی برای نگهداری از کودک او نباشد و از طرفی نیز برای ادای شهادت در دادگاه فراخوانده شود، رفتن مادر برای ادای شهادت و باخطر مواجه شدن کودک، نقض حقوق کودک است. به خطر انداختن کودک نه تنها شرعا جایز نیست که در مباحث حقوق بشری مثل کنوانسیون حقوق کودک نیز منع شده است.

### ۳-۳-۲. مصون نگه داشتن زنان از خطرات ناشی از شهادت

در بسیاری از موارد، شاهد به خاطر دادن شهادت به خطر می افتد. حال اگر ادای شهادت را واجب بدانیم، زن باید در همه مواردی که نیاز است مثل مردان نسبت به دادن شهادت اقدام کند. در مواردی زیادی باند های مافیایی، قاچاقچیان و افراد خطرناک، یک طرف دعواست. در این موارد شهادت زن علیه آنان، می تواند خطرات جدی مثل تجاوز ناموسی را به همراه داشته باشد و اسلام با برداشتن این تکلیف از دوش زنان، نسبت به مصون نگه داشتن آنان از چنین آسیب های خطرناکی، برنامه ریزی کرده است. بنابراین، نابرابری در شهادت زنان و مردان، بی عدالتی در حق زنان نیست بلکه از جهتی برای صلاح خود زن است و از سوی دیگر برای رفع تنش ها در خانواده و مراقبت از کودکان می باشد. احکام اسلامی چند بعدی است و با یک حکم، مصالح افراد مختلف و طرف های متعدد تامین می شود.

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلیت (ع) و حقوق ایران \* ۹

### ۴-۳-۲. شهادت حق یا تکلیف؟

با بررسی مستندات شهادت مثل آیات قرآن کریم و روایات مربوطه، این نتیجه به دست می آید، که شهادت تکلیف است نه حق؛ زیرا حق قلمداد کردن شهادت، با روح شهادت ناسازگار است.

در شهادت نباید شاهد، ذی نفع باشد و اگر شاهد ذی نفع باشد شهادت مورد قبول واقع نمی شود، در حالیکه اگر شهادت را حق بدانیم، باید صاحب حق بتواند از حق خود سود ببرد و ذی نفع بودنش مسلم باشد.

بنابراین، شهادت حق نیست بلکه حکم الهی و تکلیفی است که خداوند بردوش شاهد گذاشته است تا با شهادت دادن خود، بتواند حقی را به صاحب آن برگرداند. خداوند، این تکلیف سنگین را از دوش زنان برداشته است. پس عدم نفوذ شهادت زنان در برخی از موارد یا عدم برابری آنان با مردان در این موارد، به معنای نقض حقوق زنان نیست؛ چون شهادت حق نیست تا نقض حق شمرده شود؛ بلکه عدم پذیرش شهادت زنان، امتیازی است برای زنان که خداوند برای آنان قائل شده است.

### ۳. شهادت زنان در فقه اهلیت

در این بخش به بررسی شهادت زنان و موارد نفوذ و عدم نفوذ شهادتشان به لحاظ فقهی پرداخته شده است. برای تبیین بهتر بحث، ابتدا به صورت کلی اقسام شهادت بیان شده است و سپس به موارد اعتبار یا عدم اعتبار شهادت زنان در هر یک از موارد پرداخته شده است

#### ۱-۳. اقسام شهادت و مصادیق هریک

بررسی شهادت زنان در سه قسم جداگانه انجام گرفته است:

---

۱. «حق عبارت است از اعتبارات شرعی یا عقلایی که بر اساس آن، امتیاز یا توانایی خاصی برای شخص یا اشخاصی در نظر گرفته میشود و به مقتضای این توانایی دارنده حق می تواند تصرفی کند یا بهره مند گردد یا مالی یا کاری را از کسی درخواست کند (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۴۲).

### ۱-۳-۱. مواردی که شهادت زنان پذیرفته نمی شود

حق، به حق الله و حق الناس تقسیم می شود  
اثبات حق الله با شهادت، خود اقسامی دارد  
الف) حق الله که با شهادت چهار مرد ثابت می شود مثل زنا، لواط و مساحقه.  
البته در این قسم یک استثنا وجود دارد و آن اینکه، زنا با شهادت سه مرد و دوزن  
نیز ثابت می شود. در حق الله فقط زناست که به صورت مشترک از شهادت  
مردان و زنان قابل اثبات است آن هم به این صورت که باید دو عدد از شاهدان  
مرد باشد و دو عدد دیگر یا دو مرد یا شد یا چهار زن. البته شرط دیگری هم  
دارد که اثبات زنا با شهادت تکمیلی زنان فقط در جایی است که با اثبات زنا  
حکم رجم ثابت نشود و اگر زنایی مستوجب رجم باشد، باید حتما چهار مرد  
شهادت دهند؛ اما در زنای مستوجب شلاق، شهادت چهار زن به جای دو مرد  
یا دو زن به جای یک مرد کفایت می کند (مصطفی ملکی، نفیسه حاتمی پور،  
۲۰۱۹، ص ۶۲).

ب) حق الله که با شهادت دو مرد ثابت می شود مثل سرقت، شرب خمر و  
ارتداد (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۴۱: ۹۲۱).

ج) جرایمی که مستوجب نقض حق الله است، به هیچ عنوان با شهادت یک مرد و  
دوزن یا یک شاهد و قسم خوردن مدعی و یا با شهادت زنان به تنهایی ثابت نمی  
گردد (مصطفی ملکی، نفیسه حاتمی پور، ۲۰۱۹، ص ۶۲).

در نتیجه حق الله با شهادت زنان ثابت نمی گردد مگر در بحث زنا که آنهم دو  
شرط دارد:

۱. شهادت زن تکمیل کننده عدد مردان است یعنی دوزن به جایی یک مرد یا  
چهار زن به جایی دو مرد

۲. در صورتی شهادت زنان به عنوان نقش مکمل زنا را ثابت می کند که زناکار،  
بعد از اثبات مستوجب رجم نباشد و مستوجب شلاق باشد (مصطفی ملکی، نفیسه  
حاتمی پور، ۲۰۱۹، ص ۶۲).

حدود، از حقوق الهی است و با شهادت زنان ثابت نمی شود. سه تن از بزرگان  
فقه اهلیت، مثل ابن زهره (بهادری، ۱۴۱۷: ۴۳۸) صاحب ریاض (طباطبایی،  
۱۴۱۸: ۴۴۳/۲) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۵۱/۶) بر عدم پذیرش شهادت  
زنان در حدود الهی، ادعای اجماع نموده اند و تنها بحث زنا استثنا شده که



## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلیت (ع) و حقوق ایران \* ۱۱

تفصیلش بیان شد.

### ۱-۱-۳. اقسام حق الناس به لحاظ اثبات با شهادت

حق الناس به لحاظ اثبات با شهادت، خود به اقسامی دسته بندی می گردد (الف) یک دسته از حقوق الناس با فقط با شهادت دو مرد قابل اثبات است مثل طلاق خلع، وکالت، وصیت، نسب و رؤیت هلال (علامه حلی، بی تا: ۲۴۱؛ یحیی بن سعید حلی، بی تا: ۱۱۵؛ مصطفی ملکی، نفیسه حاتمی پور، ۲۰۱۹، ص ۶۲).

برای اثبات این موارد به ادله ای تمسک کرده اند: امام صادق از جدش حضرت علی روایت کرده است که حضرت فرمود: «عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ لَا تَجُوزُ فِي طَلَاقٍ وَلَا نِكَاحٍ وَلَا فِي حُدُودٍ إِلَّا فِي الدُّيُونِ وَمَا لَا يَسْتَطِيعُ الرَّجَالُ النَّظَرَ إِلَيْهِ.» (حرعاملی، ۱۲۹۹، ج ۱۸: ۲۴).

ب) دسته دیگر از حق الناس، با شهادت یک مرد و دو زن قابل اثبات است و همچنین با شهادت یک مرد با قسم خوردن مدعی قابل اثبات است مثل دیون و دعاوی مالی، عقود ای معاوضی مثل بیع، صرف و سلم، صلح، اجاره، مساقات، رهن، وصیت و جرم مستوجب دیه (مصطفی ملکی، نفیسه حاتمی پور، ۲۰۱۹، ص ۶۲)

ج) بخشی دیگر از حق الناس با شهادت هریک از زنان و مردان مستقلا یا به ضمیمه همدیگر قابل اثبات است

د) مواردی از حق الناس که صرفا با شهادت زنان قابل اثبات است مثل مسائل شخصی زنان که مردان حق دخالت در آن را ندارند مثل عیوب باطنی زنان (مصطفی ملکی، نفیسه حاتمی پور، ۲۰۱۹، ص ۶۲).

هریک از دسته بندی های چهارگانه حق الناس و قبول یا عدم قبول شهادت زنان در آنها، در مباحث آتی به تفصیل بیان شده است.

### ۱-۲-۳. مواردی که شهادت زنان به ضمیمه شهادت مردان پذیرفته

#### می شود

شهادت زنان در موارد ذیل به ضمیمه شهادت مردان مورد تایید است و معتبر می باشد:

### ۱-۲-۱-۳. زنا

اثبات زنا با شهادت چهار مرد مورد اتفاق همه فقها است، اما اینکه آیا زنان نیز می توانند تکمیل کننده عدد مردان باشند یا نه اختلاف است. شهید اول معتقد است که با شهادت سه مرد و دو زن به جایی یک مرد دیگر، می توان حد رجم را ثابت کرد. اگر دو مرد و چهار زن شهادت به زنا دهند، مثبت حد شلاق است (جبعی العاملی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۵۲۸). صدوقین و ابی الصلاح و علامه قائل به حکم جلد نشده اند و علت عدم ثبوت جلد در مورد اخیر را موافق اصل بودن عدم ثبوت حد می دانند. (موسوی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۱۹).

### ۱-۲-۲-۳. طلاق

جریان داشتن شهادت زنان در طلاق از دو جهت قابل بحث است: الف) اگر دعوا در اصل طلاق خلع باشد و در مقدر مالی که به زوجه بذل شده نباشد، در این صورت فقط شهادت دو مرد مورد قبول است و شهادت زنان قبول نمی باشد. این نظریه مشهور فقهاست که از صاحب مسالک نقل شده است (جبعی العاملی، ۱۲۷۳، ج ۱۴: ۲۴۹). ب) اگر دعوا در طلاق خلع در مورد مالی باشد که بذل شده است، در این صورت شهادت زنان نیز مورد تأیید است؛ زیرا دعوی در زمره دعاوی مالی است و در دعاوی مالی شهادت زنان اشکال ندارد (جبعی العاملی، ۱۲۷۳، ج ۱۴: ۲۴۹). شیخ طوسی شهادت زن در طلاق را پذیرفته است (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۷۲). ابوعلی عمانی و ابن جنید اسکافی نیز بر پذیرش شهادت زنان در طلاق صحه گذاشته است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۴۷۴). در مقابل این قول، عده ای دیگر، قائل به عدم پذیرش شهادت زنان در باب طلاق شده اند از جمله ابن زهر بر این مسئله ادعای اجماع نموده است (ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۸). قائلین به عدم طلاق به ادله ای تمسک کرده اند که ادله آنان مخدوش است (محمد صدیقی؛ خدیجه صادقی، ۱۳۹۶، ص ۸۶).

### ۱-۲-۳-۳. نکاح

در نکاح می توان از دو زاویه به مسئله توجه نموده و شهادت زنان را براساس آن

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهل بیت (ع) و حقوق ایران \* ۱۳

بررسی کرد.

در صورتی که زوج مدعی باشد، شهادت زنان قابل پذیرش نیست؛ چون مرد دعوایش دعوی مالی نیست و بدلیل روایاتی که در این راستا بیان شده است که فرمود: «عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ لَا تَجُوزُ فِي طَلَاقٍ وَلَا نِكَاحٍ وَلَا فِي حُدُودٍ إِلَّا فِي الدُّيُونِ وَمَا لَا يَسْتَطِيعُ الرَّجَالُ النَّظَرَ إِلَيْهِ.» (حرعاملی، ۱۴۹۹، ج ۱۸: ۲۴). طبق این روایت، شهادت زنان در باب نکاح مطلقاً پذیرفته نمی شود؛ اما به دلیل ضعف این روایت و وجود روایات معارض که از امام سوال شده است و امام جواب داده است می توان بحث را طوری دیگری نتیجه گرفت: «أَنَّ سُئِلَ هَلْ تُقْبَلُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ تَجُوزُ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ» (کلینی، همان، ج ۷: ۳۹۱). امام در این روایت، شهادت زنان در باب نکاح را مشروط به اینکه همراه آنان شاهد مرد هم وجود داشته باشد، پذیرفته است. از جمع این دو روایت می توان اینگونه نتیجه گرفت که روایت مانع، در جایی است که دعوا از طرف مرد باشد و دعوی مالی نباشد و روایت مجوزه در جایی است که دعوا در نکاح از طرف زن باشد و دعوی مالی باشد چون وقتی زن ادعای نکاح می کند، بحث نفقه و مهریه به میان می آید. و در دعاوی مالی، شهادت زنان جایز است.

در مورد شهادت زنان در باب نکاح دو نظریه عمده وجود دارد

جمعی از فقها قائل به عدم پذیرش شهادت زنان در باب نکاح شده اند مثل شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۵: ۷۲۷)، شیخ طوسی در خلاف (طوسی، ۱۴۱۶، ۶/۲۵۲)، سلار در مراسم (دیلمی، تحقیق امینی، ۱۴۱۴: ۲۳۳)، ابن حمزه در وسیله (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۲۲)، ابن ادریس در سرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱۳۹/۲).

اما در مقابل جمع کثیری از فقهای دیگر قائل به پذیرفتن شهادت زنان در باب نکاح می باشند از جمله، صدوقین (حلی، ۱۴۱۲، ۴۸/۸)، ابن جنید (اشتهاردی، بی تا: ۳۲)، شیخ طوسی در مبسوط (. طوسی، تحقیق بهبودی، ۱۳۸۸: ۱۷/۸)، ابوالصلاح حلبی در کافی (. حلبی، بی تا: ۴۳)، ابن زهره در غنیه (بهادری، ۱۴۱۷: ۴۳)، محقق در شرایع (. حلی، ۱۴۰۹، ۱۲/۴)، علامه در قواعد و ارشاد (علامه، قواعد، ۱۴۱۳، ۴۹۹/۳ و ارشاد، ۱۴۱۰: ۱۵/۲)، شهید اول در دروس (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۳/۲)، شهید ثانی در مسالک (شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۲۵/۱۰). ابن زهره نیز ادعای اجماع بر قبول شهادت زنان در باب نکاح کرده است (بهادری، ۱۴۱۷: ۴۳).

مقدس اردبیلی، ضمن بررسی و مقایسه ادله هر دو قول و سبک سنگین نمودن آنها و بررسی روایات مستند هریک از دو قول، به این نتیجه رسیده است که

روایات مورد استناد قول به جواز، بر روایات مستند قول به عدم جواز شهادت زنان در باب نکاح رجحان دارد. به چهار دلیل:

۱. روایات دال بر جواز شهادت زنان در باب نکاح بیشتر از روایاتی است که قائل به عدم جواز شده اند

۲. روایات دال بر جواز واضحتر است

۳. روایات دل بر جواز دو موید دارد:

الف) عمومیت ادله شهود که زنان را نیز شامل می شود

ب) قاعده سهله و سمحه در اسلام که دال بر آسان گیری است و نباید با رد شهادت زنان، در باب نکاح، مانع تراشی شده و سخت گیری شود و این با روح قاعده سهله و سمحه سازگار نیست.

۴. در صورتی که زن مدعی نکاح باشد، بحث نفقه و مهریه به میان می آید و دعوا از دعاوی مالی محسوب می گردد و در دعاوی مالی، شهادت زنان پذیرفته شده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۶، ۱۲، ۴۲۵؛ صدری، محمد، صادقی، خدیجه. (۱۳۹۶). ص ۸۸).

#### ۴-۲-۳-۳. وکالت

اگر وکالت را از آن جهت که نوعی ولایت در تصرف است ملاحظه کنیم، شهادت زنان در باب وکالت مورد پذیرش فقها قرار نگرفته است (مکی العاملی، ۱۴۱۱: ۱۴۵؛ نحفی، ۱۳۶۶، ج ۲۷: ۴۱۳)؛ اما اگر وکالت از جنبه مالی آن توجه کنیم، می توان حکم به اعتبار شهادت زنان در باب وکالت داد یعنی مباحث مالی وکالت، با شهادت زنان ثابت می شود (مکی العاملی، همان، ج ۴: ۳۸۰)

#### ۵-۲-۳-۳. وصیت

در صورتی که وصیت به ولایت باشد، فرقی نمی کند که ولایت بر اطفال باشد یا ولایت بر اموال، با شهادت زنان ثابت نمی شود و باید دو مرد شهادت دهند؛ اما اگر وصیت به اموال باشد، مثل بقیه دعاوی مالی قلمداد شده و با شهادت یک مرد و دو زن عادل ثابت می شود (موسوی الخمینی، بی تا: ۱۰۸).

#### ۶-۲-۳-۳. قتل

در اینکه آیا با شهادت زنان، قتل ثابت می شود یا خیر؟ میان فقها اختلاف است.

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلبیت (ع) و حقوق ایران \* ۱۵

جمعی کثیری از فقهای شیعه، قائل به جواز اثبات قتل با شهادت زنان شده است از جمله: علامه در ارشاد الاذهان، کتاب القضا (حلی، ۱۴۱۰، ۱۵۹/۲) ابن ابی عقیل، به حکایت مختلف الشیعه عاملی، ۱۴۱۲، ۴۸۳/۸، مسأله ۷۴)، ابن زهره در غنیه النزوع (تحقیق بهادری، ۴۳۹۱۴۱۷) و مقدس اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان (اردبیلی، ۱۴۰۶، ۴۲۷/۱۲).

قائلین این قول به ادله تمسک کرده اند:

امام صادق بیان فرموده اند که شهادت زنان در قتل به همراه مردها جایز است «قال علی (ع): تجوز شهادت النساء في الدم مع الرجال (الاستبصار ۳، ۲۷). طبق این روایت، شهادت زنان به ضمیمه شهادت مردان، می تواند جرم قتل را ثابت کند. در روایتی دیگری از امام سوال شده است که آیا جایز است زنها همراه با مردان برای ثابت شدن قتل شهادت دهند؟ امام در پاسخ فرموده است بله. متن روایت بدین شرح است: «سألته أفتجوز شهادة النساء مع الرجال في الدم؟ قال «نعم» (التهذيب ۶، ۲۶۷؛ الاستبصار ۳، ۲۷).

درمقابل قول به جواز و ادله آنان، دو قول دیگری نیز وجود دارد، یک قول منع کرده است و قول دیگر قائل به تفصیل شده است. اما ادله قول به جواز قوی تر است زیرا، در برخی موارد اگر شاهد مرد وجود نداشته باشد و شهادت زن نیز پذیرفته نشود، خون مسلمان به هدر می رود و این کار با روح اسلام و دستوراتش در تضاد است. از طرف دیگر، قبول شهادت زن در مورد اثبات قتل، با بنای عقلا و ارتکازات عقلانی، سازگاری و موافقت دارد (محمد صدیقی، خدیجه صادقی، ۱۳۹۶، ص ۹۰)

### ۷-۲-۱-۳. دیه

برخی از اعاضم فقهای شیعه بر این نظریه است که با شهادت زنان، دیه ثابت می شود، سردمداران این نظریه عبارتند از: شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۹۰، ۳۳۳)، ابن جنید (اشتهاردی، بیتا: ۳۲۷) ابی الصلاح (حلبی، تحقیق استادی، بیتا: ۴۳۶) ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶، ۵۵۸/۲) فخرالمحققین (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۴۳۴/۴) و علامه به این شرح که «تقبل شهادت امراتین في نصف ديه النفس او العضو أو الجراح والمرأة الواحد في الربع» (حلی، ۱۴۱۲، ۴۳۴/۸)

### ۸-۲-۱-۳. ارث

با شهادت هر زن، یک چهارم ارث ثابت می شود و با شهادت چهار زن، کل ارث ثابت می گردد و این مضمون روایت ابن سنان از امام صادق است که در این باب وارد شده است: شهادت قابله در باره میراث کودکی که زنده به دنیا آمده، معتبر است و با شهادت او یک چهارم میراث ثابت می شود عرضه داشتم اگر دوزن شهادت دهند چه حکمی دارد؟ فرمود نصف میراث ثابت می شود. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۳۵۵).

### ۹-۲-۱-۳. دیون

شهادت زنان در دعاوی مالی و امور مالی به ضمیمه شهادت مردان معتبر قلمداد شده است (حسین سبحانی، امین امیرحسینی، محمد روشن، (۲۰۱۶). ص ۲۱۵). در مثل دین ها و اموالی مثل قرض و غصب یا چیزهای که مقصودشان مال است، شهادت یک مرد با شهادت دوزن معتبر است (نجفی، جواهر الکلام، ۲۷۵/۴۰، ۱۶۵/۴۱)

دلیل اعتبارش، قرآن کریم است (بقره/ ۳۸۲). مضمون آیه شریفه این است که خداوند در قرآن می فرماید: در مورد دین و طلب شخصی از دیگری خوب است موضوع مکتوب و نوشته شود و شاهی بر آن گرفته شود.

چنان که مشهود است، در این آیه ابتدا از حضور دو شاهد مرد سخن به میان آمده و اشاره شده است که در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دوزن به عنوان شاهد در نظر گرفته شوند.

اما در مورد اینکه چرا دو شاهد زن نیاز است؟ دلیلش در آیه بیان شده است که اگر یکی از آنها موضوع را فراموش کرد، نفر دوم به یادش بیاورد.

### ۱۰-۲-۱-۳. عقود معاوضه ای

فقهای چون شهید اول در درس، معتقد است که با شهادت یک مرد و دوزن، یا با گواهی دوزن به علاوه قسم مدعی، امور مالی یا اموری که مقصودشان مال است، مثل عقود معاوضه ای چون، مثل بیع، صرف، سلم، صلح، اجاره، مساقات، رهن وصیت تملیکی، خیار و شفعه و... اثبات می گردد (درس الشرعیه، ۲، ۸-۱۳۷؛ حسین سبحانی، امین امیرحسینی، محمد روشن، ۲۰۱۶،

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلیت (ع) و حقوق ایران \* ۱۷

ص ۲۱۵).

مرحوم فاضل هندی گواهی یک مرد و دو زن را در مورد دیون و اموال و نیز در اثبات ودیعه در صورتی که مالک آن را ادعا نماید، جایز می‌داند. (کشف اللثام، ۱۰، ۳۳۴)

### ۳-۱-۳. مواردی که شهادت زنان مستقلا قبول است

در فقه اهلیت، مواردی وجود دارد که شهادت زنان مستقلا بدون نیاز به ضمیمه شدن به شهادت مردان، معتبر محسوب شده است که شرحش در موارد ذیل بیان گردیده:

#### ۳-۱-۳-۱. شهادت زنان در رضاع

جمع کثیری از فقها، شهادت زنان در باب رضاع را به تنهایی کافی دانسته‌اند. از جمله: شیخ مفید در المقنعه (مفید، ۱۴۱۰: ۷۲۷) شیخ طوسی در المبسوط (طوسی، ۱۳۸۸: ۸/۱۷۲) سلار در المراسم (دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۳۳) ابن حمزه در الوسیله (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۲۲). ابن جنید و ابن ابی عقیل در مجموعه فتاوی‌ای ابن جنید (اشتهاردی، بیتا: ۳۲۸ حکاه عنه فی مختلف الشیعه، ۱۴۱۲: ۸/۴۹۱) و محقق در شرایع الاسلام (حلی، ۱۴۰۹: ۴/۱۲۶) و مختصر النافع، ۱۴۱۰: ۲۸۹) و شهید اول در کتاب الدروس (شهید اول، ۱۴۱۴: ۲/۱۳۸) و علامه در مختلف الشیعه و قواعد الاحکام و تحریر الأحکام الشرعیه (حلی، ۱۴۱۲: ۸/۴۹۱؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳/۴۹۹؛ حلی، ۱۴۲۰: ۴/۲۶۸) و شهید ثانی در الروضه البهیة و مسالک الافهام شهید ثانی، بیتا: ۳/۱۴۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۱۴/۲۵۸) سید مرتضی نیز در ناصریات ادعای اجماع بر این قول را نموده است (سید مرتضی، ۱۴۱۷: ۲۱۲).

قائلین به جواز به ادله ای استناد کرده‌اند از جمله: عموم روایت عبدالکریم. در این روایت حضرت می‌فرماید: «تقبل شهاده المرأه و النسوه اذا کن مستورات» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷؛ کتاب الشهادت، باب ۲۴، ۵، ۹ و ۴۲) یعنی شهادت زنان در امور مربوط به آنان که دیدن مردان حرام است قبول است.

در مقابل قول به جواز، عده ای از فقها قایل به عدم جواز شهادت زنان در باب رضاع شده‌اند؛ اما این قول با توجه به ادله قول به جواز و بنای عقلایی موجود در این باب، ضعیف است و دلیلی بر رد این ارتکاز عقلایی وجود ندارد. (صدری، محمد، صادقی، خدیجه. (۱۳۹۶)، ص ۸۹).

### ۲-۳-۱-۳. عیوب باطنی زنان

طبق روایتی که قبلاً بحث شد، در مورد عیوب باطنی زنان، شهادت زنان مستقلاً مورد پذیرش است:

«تقبل شهادة المرأة و النسوة اذا كن مستورات» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷؛ کتاب الشهادت، باب ۲۴، ۵، ۹ و ۴۲) یعنی شهادت زنان در امور مربوط به آنان که دیدن مردان حرام است قبول است.

در این موارد، در اصل اعتبار شهادت زنان جایی بحث نیست؛ اما در تعدادشان اختلاف است. به نظر مشهور، باید چهار زن شهادت دهند تا بتوان این موارد را ثابت کرد. است؛ ولی از شیخ مفید و ابوالصلاح حلبی و برخی دیگر نقل شده که شهادت دو زن و در صورت اضطرار شهادت یک زن نیز کافی است. (نجفی: جواهر الکلام، ۴۱، ۹- / ۱۷۸).

### ۳-۳-۱-۳. مسائل خاص زنانه

در این موارد فقط شهادت زنان پذیرفته است و شهادت مردان مردود است. از قبیل حیض، نفاس، ولادت (مسالک الافهام، ۱۲۷۳، ج ۱۴: ۲۶۱). این ها مواردی گزینش شده از معتبر بودن شهادت زنان در فقه اهل بیت (ع) بود که بیان شد. موارد بیشتر و پژوهش مفصلتر در این زمینه، در نسخه تکمیلی این مقاله عرضه خواهد شد.

### ۴. شهادت زنان در حقوق ایران

بحث شهادت زنان در چند مورد از قوانین موضوعه ایران بحث شده است. در برخی از قوانین صراحت دارد و در برخی دیگر به صورت کلی بیان شده است و بدون ذکر جنسیت، صرفاً از شاهد بحث نموده است.

### ۱-۴. قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات ایران در مواردی، شهادت زنان را تأیید نموده است؛ اما دو شرط بیان کرده است:

۱. شهادت زنان به تنهایی نافذ نیست و باید منضم به شهادت مردان باشد

۲. شهادت دو زن، معادل شهادت یک مرد قلمداد می شود.



## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلیت (ع) و حقوق ایران \* ۱۹

شهادت زنان در مواد مختلف از قانون مجازات اسلامی منعکس شده است که به شرح ذیل است:

مواد ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۸۹، ۱۹۹، بند الف ماده ۲۳۷، ۷۴، ۷۵، ۷۶ و بند ب ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی

### ۲-۴. قانون مدنی ایران

قانون مدنی، شهادت را یکی از ادله اثبات دعوا معرفی نموده است و در مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰، به بحث شهادت و اصول و شرایط آن پرداخته است. در قانون مدنی، جنیست مورد بحث قرار نگرفته و شاید بنایش بر این است که جنیست را مهم ندانسته و صرفاً سایر شرایط را مورد اعتبار قرار داده است. از عدم ذکر جنیست این مسئله به ذهن می رسد که از نظر واضعان این قانون، اگر شاهد سایر شرایط را داشته باشد، شهادتش معتبر است و جنیست در شهادت شاهد نقشی ندارد.

در ماده ۱۳۱۳ ق.م اینگونه آمده است که:

در شاهد، بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است.» و از جنیست، نامی برده نشده است.

### ۳-۴. آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران

جنیست در این قانون نیز مورد بحث قرار نگرفته و مثل قانون مدنی مسکوت مانده است. در ماده ۶۶۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب آمده است که: «در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می نماید، لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد؛ ۱- بلوغ، ۲- عقل، ۳- ایمان، ۴- طهارت مولد، ۵- عدالت، ۶- عدم انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی، ۷- عدم وجود دشمنی بین شاهد و طرفین دعوی، ۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی. ماده ۲۲۸ ق.آ.د.م نیز به شهادت پرداخته و صلاحیت شهود اشاره نموده است؛ اما اشاره ای به جنیست شاهد نداشته است.

## ۵. نتیجه

۱. زنان در اموری که مربوط به مسائل مالی و حق الناس است می توانند به ضمیمه شهادت مردان، شهادت دهند و چنین شهادتی در فقه اهلیت، معتبر

قلمداد می‌گردد

۲. شهادت زنان در امور خاص زنانه، عیوب باطنی زنانه و در مسائل مثل رضاع، مستقلاً معتبر است و نیازی به ضمیمه شدن به شهادت مردان ندارد.
۳. عدم برابری شهادت زنان با مردان و دو شاهد زن معادل یک شاهد مرد بودن، به معنای نقض حقوق زنان نیست؛ زیرا شهادت تکلیف است نه حق، و برداشتن این تکلیف از دوش زنان، امتیازی است که خداوند حکیم، برای زنان قائل شده است.

### فهرست منابع:

قرآن کریم

۱. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، (۱۴۰۶)، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۲. الحصری، أحمد، علم القضاء وأدلة الإثبات في الفقه الإسلامي، بیروت، دار الكتاب العربي
۳. اشتهازی، علی پناه، (بی تا)، مجموعه فتاوی ابن جنید، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۴. اصفهانی، راغب، (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دار الشامیة.
۵. ایزدی فرد، حسنخانی؛ احمد رضا، کاویار؛ حسین. (۲۰۱۷). حجیت شهادت زنان در قتل عمد از منظر فقه امامیه. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۰(۳۶)، ۲۳-۵۰.
۶. بهادری، ابراهیم، (۱۴۱۷)، غنیه النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، تالیف حلبی، حمزه بن علی بن زهره، تحقیق بهادری، ابراهیم، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ اول.
۷. جبعی‌العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۲۷۳)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴، قم، دارالمهدی.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث، قم، چاپ اول.
۹. حلبی، ابی صلاح، (بی تا)، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، منشورات کتابخانه امیرالمؤمنین، اصفهان.
۱۰. حلبی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۱۲)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
۱۱. حلبی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام، قم، مؤسسه امام صادق.
۱۲. حلبی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۰)، ارشاد الاذهان تحقیق شیخ حسون، مؤسسه

## موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلبیت (ع) و حقوق ایران \* ۲۱

- نشر اسلامی، قم، چاپ
۱۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
۱۴. حلی، محقق ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۲)، مختصر النافع، مؤسسه بعثه، تهران، چاپ دوم
۱۵. سبحانی، حسین؛ امیرحسینی، امین؛ روشن، محمد. (۲۰۱۶). رویکردی نوین در شهادت زن در نظام حقوقی اسلام با نگاهی به نظام حقوقی ایران. مطالعات زن و خانواده، ۴(۱)، ۲۰۵-۲۳۴.
۱۶. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، المراسم فی الفقه الامامی، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴
۱۷. شافعی، ابن ادريس، (۱۴۱۰)، محمد بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ
۱۸. شریف، مرتضی، (۱۴۱۷)، الناصريات، تحقیق مرکز بحوث و دراسات علمی، مؤسسه هدی، تهران.
۱۹. شهید اول، شمس الدین، (۱۴۱۲). الدروس الشرعية، مؤسسه نشر الاسلامی، قم.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۷)، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، مؤسسه معارف اسلامی، قم.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین، (۱۴۱۰)، الروضه البهيه، قم، داوری.
۲۲. صدری، محمد؛ صادقی، خدیجه. (۱۳۹۶). گستره گواهی و شهادت زن در اسلام. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۷۱-۹۶.
۲۳. طرابلسی، قاضی عبدالعزیز براج، (۱۴۰۶)، المهدب، جامع مدرسین قم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، المبسوط في فقه الاماميه، تحقیق و تصحیح محمدباقر بهبودی، المطبعه
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، الخلاف، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول
۲۶. طوسی، محمد بن علی معروف به ابن حمزه، (۱۴۰۸)، الوسيله الى نيل الفضيله، تحقیق محمد حسون، منشورات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.
۲۷. عاملی، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۱۴)، الدروس الشرعية، تحقیق مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۲۸. عبد الحمید عمر، أحمد مختار، ۱۴۲۹ هـ، معجم اللغة العربية المعاصرة، بیجا، عالم الكتب.

۲۲ \* فصلنامه علمی نسیم کوثر / پاییز ۱۴۰۰ / شماره ۲

۲۹. فاضل هندی، بهاء الدین، کشف اللثام، چاپ سنگی
۳۰. متین دفتری، احمد، ۱۳۷۸، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، مجد.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۴۰۶، قواعد فقهیه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. مفید، ابی عبدالله محمدبن محمدبن النعمان العکبری البغدادی، (۱۴۱۰)، المقنعه، مؤسسه نشر اسلامی، قم،
۳۴. ملکی، مصطفی؛ حاتم پوری، نفیسه. (۲۰۱۹). واکاوی آیات و روایات ادله اثباتی شهادت زن. دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، (۱۸)، ۵۸-۶۸.
۳۵. موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۷، فرهنگ فقه فارسی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۳۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۰)، رساله نوین، مترجم: عبدالکریم بی آزار شیرازی، بی جا، مؤسسه انجام کتاب.
۳۷. موسوی الخوئی، ابوالقاسم (بی تا)، مبانی تکمله المنهاج، طبعه الثانيه، بی جا، بی نا.
۳۸. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۵ش)، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه - طهران، قوانین
۳۹. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
۴۰. قانون مدنی ایران
۴۱. قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری